

پدیده مدرن سلاح آتشین در تشکیلات نظامی دوره ترکمانان آق قویونلو

پرویز پورکریمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲

از صفحه ۶۹ تا ۸۶

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ نظامی
سال هفتم، شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۳۹۹

چکیده

تسلیمات و فنون نظامی فرایندی از انطباق، بازآفرینی و پیشرفت کمابیش پیوسته داشته و سیر تحول ساخت و به‌کارگیری سلاح‌های آتشین، نقطه عطفی در تاریخ نظامی‌گری بوده است. در این راستا، پژوهش حاضر با استناد به گزارش‌های تاریخی، درصدد بررسی روند ظهور پدیده مدرن سلاح آتشین در تشکیلات نظامی دوره ترکمانان آق‌قویونلو است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و متکی بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است. پرسش محوری پژوهش حاضر این است که سلاح‌های آتشین چه تأثیری در عرصه تحولات سیاسی - نظامی دوره ترکمانان آق‌قویونلو داشته است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد آق‌قویونلوها از سال ۸۲۳ ق / ۱۴۲۰ م. به بعد - حدود ۱۰۰ سال قبل از جنگ چالدران - با پدیده مدرن سلاح آتشین از جمله توپ آشنایی داشته و در جنگ‌های خود از آن استفاده می‌کردند. استفاده از سلاح‌های آتشین در این دوره، علاوه بر ایجاد رعب و وحشت و تضعیف روحیه نیروی نظامی دشمن و عقب‌نشینی دشمن، می‌توانست در تغییر سرنوشت جنگ‌ها مؤثر واقع شده و در نهایت موجب تغییر موازنه قدرت در عرصه سیاسی - نظامی گردد.

کلید واژه‌ها:

سلاح آتشین، توپخانه، آق‌قویونلوها، ایران، عثمانی.

۱- دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی اسلامی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، par.purkarimi@ut.ac.ir

مقدمه

آق‌قویونلوها (۹۰۶/۷-۸۰۲/۳ ق / ۱۵۰۰/۰۱-۱۳۹۹/۴۰۰ م) به‌عنوان واپسین وارثان اوضاع نابسامان و آشفته ایران قرن نهم هجری، تشکیلات، اصول و فنون نظامی اسلاف خود را به ارث برده و یا اقتباس کرده و با اندک تغییراتی به کار بردند. از تغییر و تحولات خاص در تشکیلات نظامی این سلسله به نسبت اسلاف خود، به‌کارگیری پدیده مدرن سلاح آتشین است. به‌کارگیری این پدیده مدرن در ساختار نظامی، مستلزم تحول بنیادین در اصول، تکنیک‌ها، فنون رزمی و همچنین تحول در عرصه آموزش‌های نظامی بود. از این رو، آق‌قویونلوها با وجود آشنایی با سلاح‌های آتشین و پی بردن به ضرورت وجود توپخانه در ساختار نظامی، به ندرت می‌توانستند در جنگ‌ها از آن استفاده کنند و قرن‌ها طول کشید تا استفاده از آن در ساختار نظامی ایران نهادینه شود. در این میان، اطلاعات و آگاهی تاریخی ما از تشکیلات نظامی آق‌قویونلوها برای بررسی کمیت و کیفیت به‌کارگیری این سلاح‌ها، پراکنده و از لابلائی سطور است و گزارش‌های تاریخی درباره استفاده از آنها در این دوره اندک است. در نتیجه کمبود اطلاعات و آگاهی‌ها، منشأ دقیق زمانی و مکانی ابداع و ساخت سلاح آتشین در ایران در پرده ابهام مانده و حدس و گمان در تعیین دقیق منشأ آن ذهن بسیاری از صاحب‌نظران را به خود مشغول داشته است. در این راستا، پژوهش حاضر با اتکا به منابع دست اول و استفاده از نتایج تحقیقات جدید، درصدد بررسی نخستین اشارات تاریخی به استفاده ایرانیان عصر ترکمانان از سلاح آتشین است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و متکی بر مطالعه منابع دست اول تاریخی و منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است. برای اینکه بحث محوری پژوهش از غنای بیشتری برخوردار گردد، پاسخ‌گویی به سؤال زیر اساس پژوهش قرار گرفته است:

۱. سلاح‌های آتشین چه تأثیری در عرصه تحولات سیاسی- نظامی دوره ترکمانان آق‌قویونلو داشته است؟

پیشینه پژوهش

درباره ارزیابی کمیت و کیفیت به‌کارگیری سلاح‌های آتشین در تشکیلات نظامی ترکمانان آق‌قویونلو، پژوهش مستقلی انجام نشده است، البته می‌توان به کتب، مقالات و

پژوهش‌هایی اشاره کرد، که با پژوهش حاضر، نزدیکی موضوعی دارند و در حین بررسی ساختار سیاسی و نظامی ترکمانان آق قویونلو و یا در حین بررسی کاربرد سلاح آتشین در تشکیلات نظامی دوره صفویه و قاجاریه، به صورت گذرا و کوتاه به کاربرد سلاح آتشین در دوره ترکمانان آق قویونلو اشاره کرده‌اند. از جمله، راجر سیوری (۱۳۷۴) در کتاب «ایران عصر صفوی»، والتر هینتس (۱۳۷۷) در کتاب «تشکیل دولت ملی در ایران: حکومت آق قویونلو و ظهور دولت صفوی» و اسماعیل حسن‌زاده (۱۳۹۲) در کتاب «حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو در ایران» به صورت گذرا به کاربرد محدود سلاح آتشین در تشکیلات نظامی آق قویونلوها اشاره کرده‌اند. اکبر فلاحی و غلامحسین رحیمی (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی ساخت و کاربرد سلاح آتشین در عصر صفوی» در فصلنامه تاریخ علم، با استناد به منابع دست اول تاریخی به بررسی میزان پیشرفت صفویان در زمینه ساخت و کاربرد سلاح آتشین پرداخته و به آشنایی ایرانیان با سلاح آتشین در دوره قبل از صفویه یعنی دوره آق قویونلو اشاره‌ای گذرا کرده‌اند. رضا صحت‌منش (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نظام توپخانه در دوره قاجار» در فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، به بررسی جایگاه توپ و توپخانه در ساختار نظامی دوره قاجار پرداخته و به این نتیجه رسیده است که موانع عمده اجتماعی و سیاسی در جهت ایجاد توپخانه در ساختار نظامی دوره قاجار وجود داشته است، به‌گونه‌ای که در ساختار اجتماعی ایران، سران و سواران ایلی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، از همین رو، مانع تشکیل پیاده نظام و توپخانه آتشبار می‌شدند. همین مسئله در دوره‌های قبل از قاجار به‌ویژه در دوره آق قویونلوها و صفویه نیز وجود داشته و مانع اصلی ایجاد توپخانه منظم در تشکیلات نظامی ایران می‌شد. با توجه به اینکه در این پژوهش‌ها و پژوهش‌های مشابه، مفصلاً به کاربرد سلاح آتشین در تشکیلات نظامی دوره آق قویونلوها پرداخته نشده؛ از این رو، رهیافت پژوهش حاضر، بررسی و کالبدشکافی دقیق موضوع با استناد بر منابع موثق تاریخی به صورت توصیفی و تحلیلی است.

پدیده مدرن سلاح آتشین در تشکیلات نظامی آق قویونلوها

موضوع تاریخ دقیق ابداع و به‌کارگیری سلاح آتشین در ایران مطلب پیچیده‌ای است که سبب بروز بحث‌های قابل ملاحظه‌ای شده است. مورخان درباره منشأ پیدایش و ابداع سلاح آتشین در ایران اختلاف نظر دارند و در این باره دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده

است. طبق روایت معروف که از طریق مورخانی چون ادوارد دنیسون رأس، خاورشناس انگلیسی (۱۸۷۱-۱۹۴۰ م) به تاریخ‌نگاری ایران راه یافته، سلاح‌های آتشین را اولین بار برادران شرلی در زمان شاه عباس اول (گاه شاهی: ۱۰۳۸-۹۹۶ ق / ۱۶۲۸-۱۵۸۷ م) در ایران رواج دادند، اما واقعیت امر این است که هرچند برادران شرلی در زمینه تأمین سلاح‌های آتشین سپاه شاه عباس، نقش فعالی داشتند، ولی اولین کسانی نبودند که سلاح‌های آتشین را به ایرانی‌ها معرفی کردند و این ادعا که ایشان را به عنوان بنیان‌گذار صنایع نظامی مدرن و معرف سلاح‌های آتشین به ایران می‌نمایاند، به نوشته راجر سیوری، به کلی بی‌اساس است (سیوری، ۱۳۷۴: ۴۲) و شواهد تاریخی موجود در منابع اروپایی و ایرانی دال بر این است که ایرانی‌ها مدت‌ها قبل از فرمانروایی شاه عباس اول، در دوره ترکمانان آق‌قویونلو با سلاح‌های آتشین آشنایی داشته‌اند و از این سلاح‌ها در عملیات‌های نظامی استفاده می‌کردند.

در دوره آق‌قویونلوها، باروت و سلاح آتشین کاملاً شناخته شده بود. به نوشته روملو در احسن التواریخ، سال‌ها پیش از به قدرت رسیدن اوزون حسن (گاه فرمانروایی: ۸۸۳-۸۵۷ ق / ۱۴۷۸-۱۴۵۳ م)، پدربزرگ وی یعنی قراعثمان / قرابولوک عثمان بیک (۸۳۹-۸۰۲ ق / ۱۴۳۵-۱۳۹۹ م) به اتفاق الکسیس چهارم، امپراتوری ترابوزان، در سال ۸۲۳ ق / ۱۴۲۰ م. به محاصره ارزنجان پرداختند که در این واقعه، امپراتوری ترابوزان، منجنیق، توپ و مواد انفجاری در اختیار آق‌قویونلوها قرار داد (روملو، ۱۳۴۷: ۳۰۹). این مورد، اولین اشاره تاریخی به استفاده نظامی آق‌قویونلوها از سلاح آتشین است.

وودز معتقد است که در زمان آق‌قویونلوها، تنها افراد قشون شخصی سلطان، به استفاده از سلاح آتشین مجاز بوده‌اند (Woods, 1976: 8). مینورسکی نیز در ابتدا مطمئن نبود که در عهد آق‌قویونلوها سلاح آتشین به کار می‌رفته است، اما بعداً در ضمیمه دوم کتابش وجود آن را می‌پذیرد (مینورسکی، ۱۳۷۰: ۸۹، ۱۱۵-۱۱۶). به نوشته فرضعلی‌اف، در قشون آق‌قویونلوها از تفنگ، توپ، رعاده یا سلاح‌های قلعه‌کوب و انواع منجنیق استفاده می‌شد (Fərzəliyev, 1999: 68). اشارات تاریخی دیگری درباره استفاده امرای آق‌قویونلو از سلاح آتشین در دست است. از جمله، راجر سیوری (سیوری، ۱۳۷۴: ۴۲-۴۳)، رابرت الگود (Elgood, 1995: 114) و جوزافا باربارو (باربارو و همکاران، ۱۳۸۱: ۴۹-۵۴)، معتقدند ونیزی‌ها سلاح آتشین را به ایران معرفی کردند و

در زمان آق قویونلوها به سال ۸۷۷ ق/ ۱۴۷۲ م. شماری توپ و تفنگ برای تأسیس توپخانه و رسته تفنگچی به ایران فرستادند تا در جنگ با عثمانیان و قرامانیان که مجهز به سلاح آتشین بودند، استفاده کنند. به نوشته بریتانیکا، توپ و تفنگ در ایران از زمان اوزون حسن در سطحی محدود کاربرد داشته و ونیزی‌ها که خواستار تقویت سپاه آق قویونلو در برابر سلطان محمد فاتح (گاه سلطانی: ۸۸۶-۸۵۵ ق/ ۱۴۸۱-۱۴۵۱ م) بودند، حداقل از سال ۸۷۷ ق. برای اوزون حسن سلاح آتشین ارسال کردند (Britannica CD, 1998). قدرت‌یابی آق قویونلوها در شرق آناتولی، دولت‌های اروپایی از جمله جمهوری ونیز را بر آن داشت تا با فرستادن سفیر و مجهز کردن آق قویونلوها به سلاح آتشین، آنها را در جهت منافع سیاسی و اقتصادی خود علیه عثمانی‌ها به جنگ وادارند (زنو، ۱۳۸۱: ۲۰۹؛ سایکس، ۱۳۳۰: ۲۱۷). در واقع، ونیزی‌ها اولین کسانی بودند که سلاح آتشین در اختیار اوزون حسن قرار دادند (روملو، ۱۳۸۴: ۱۳۸)؛ زیرا توجه ونیزی‌ها به امور نظامی و نظامی‌گری برای از میان برداشتن سایر رقبا به‌ویژه رقبای تجاری، موجب پیشرفت آنها در ساخت سلاح و تجهیزات جنگی و تکنیک‌های نظامی شده بود. در تأیید این مطلب که ونیزی‌ها اولین کسانی بودند که سلاح‌های آتشین در اختیار اوزون حسن قرار دادند، می‌توان به نوشته باربارو اشاره کرد: «در نیمه دوم سده پانزدهم میلادی در ارتش اوزون حسن، پانزده هزار سوار شمشیرزن، سی‌وسه هزار پیاده‌نظام با نیزه و کمان و پنج هزار مبارز سپردار موجود بود. در سپاه وی، تعداد زیادی آهنگر، زین‌ساز و تیرساز وجود داشت» (باربارو و همکاران، ۱۳۸۱: ۷۶). نکته قابل توجه در نوشته باربارو این است که وی اشاره‌ای به سلاح آتشین در سپاه اوزون حسن قبل از ونیزی‌ها نکرده است. این مسئله نشان می‌دهد که ونیزی‌ها اولین کسانی بودند که سلاح آتشین در اختیار اوزون حسن قرار دادند و سپاه وی قبل از ورود آنها با سلاح‌های آتشین آشنایی نداشته است.

بر پایه مستندات تاریخی و تحقیقات اخیر، در دوره اوزون حسن، آق قویونلوها با سلاح‌های آتشین آشنایی داشته و در سال ۸۷۷ ق، از ونیز، تفنگ شمخال، توپ و توپچی درخواست کرده‌اند (Woods, 1976: 128). بدین ترتیب که سپاه وی از جنبه نظامی با سپاه عثمانی از توانایی همسانی برخوردار نبوده و برتری نظامی عثمانی‌ها به علت مجهز بودن آنها به سلاح آتشین بوده است. از این رو، وی به‌منظور درخواست

سلاح آتشین، سفیری به نام حاجی محمد را در سال ۸۷۷ ق. به ونیز فرستاد (نوایی، ۱۳۷۰: ۱۲۱). در مقابل سنای ونیز، با اوزون حسن توافق کرد که کشتی‌های حامل سلاح‌های آتشین را همراه با نیروی کوچکی که این سلاح‌ها را به کار می‌برند، به سواحل قرامان بفرستند و اوزون حسن نیز با اعزام نیرویی به آن سمت با آنان تماس برقرار کند (Hinze, 1992: 54). هینتس در این بار می‌نویسد: «علم و صنعت مغرب زمین، با سواران ایرانی و ترکمن دست به دست هم داده بودند تا قدرت جنگی سلطان محمد فاتح را درهم بشکنند» (هینتس، ۱۳۷۷: ۷۳). سنای ونیز، جوزافا باربارو را به همراه حاجی محمد و هدایایی به دربار اوزون حسن فرستاد. این هدایا شامل پارچه‌های زریفت و ظروف سیمین و سلاح‌های آتشین از قبیل شش توپ بزرگ، ابزار بمباران، ۶۰۰ تفنگ، باروت، گلوله و مقدار زیادی مهمات دیگر به همراه ۲۰۰ سرباز مسلح به کمان شاخی و تفنگ بود (مینورسکی، ۱۳۵۱: ۱۷۴؛ مهمید، ۱۳۶۱: ۷۷؛ پورگشتال، ۱۳۶۷: ۶۱۴/۱؛ اوزون چارشی‌لی، ۱۳۶۹: ۹۶/۲؛ سیوری، ۱۳۷۴: ۴۲؛ باربارو و همکاران، ۱۳۸۱: ۵۳). این سلاح‌های ارسالی به دلیل تسلط عثمانی‌ها بر سواحل مدیترانه، در قبرس متوقف شد. باربارو با مشاهده تسلط عثمانی‌ها بر سواحل مدیترانه و قرامان، برای جلوگیری از مصادره کشتی‌ها به دست عثمانی‌ها، به ناچار دو فروند از کشتی‌های بزرگ حامل توپخانه و هدایا را به ونیز بازگرداند (باربارو و همکاران، ۱۳۸۱: ۴۸-۴۹، ۵۴). عبدالحسین نوایی نیز ضمن تأیید بازگرداندن بخشی از سلاح‌های آتشین به ونیز، اشاره کرده که باربارو بنا بر احتیاط، بخشی دیگر از سلاح‌ها را به جزیره کرت فرستاده است (نوایی، ۱۳۷۰: ۱۲۲/۱). برخی نیز بر این عقیده‌اند که این سلاح‌ها به دست عثمانی‌ها افتاد و بر علیه ایران به کار گرفته شد (عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۱۴۰؛ قدم، ۱۳۸۳: ۶۶۴). برخلاف نظر اکثر مورخان که معتقدند سلاح‌های ارسالی ونیز به دست اوزون حسن نرسیده است، اوزون چارشی‌لی عقیده دارد که سلاح‌های آتشین ارسالی ونیزی‌ها به موقع به دست اوزون حسن رسیده است (اوزون چارشی‌لی، ۱۳۶۹: ۶۶/۲-۶۷).

با استناد به برخی منابع تاریخی، اوزون حسن برای رسیدن به پایگاه ونیزی‌ها در قبرس و دست یافتن به سلاح‌های آتشین ونیزی به طرف دریای مدیترانه حرکت کرد، اما با شکست سپاهش در قرامان (امیرنشین عثمانی) و بیرا (در قلمرو ممالیک مصر)، امیدش برای رسیدن به قبرس را از دست داد. از این رو، در سال ۸۷۸ ق/۱۴۷۳ م. در جنگ

نهایی با سلطان محمد فاتح، در برابر سپاه مجهز به سلاح آتشین عثمانی شکست خورد (مینورسکی، ۱۳۵۱: ۱۷۴-۱۷۷؛ اوزون چارشی‌لی، ۱۳۶۹: ۱۰۴/۲؛ هینتس، ۱۳۷۷: ۷۹؛ حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۰۶؛ ۱۲۷-۱۲۸: Turan, 1965; 63-64; Mahmudov, 1986). استفاده عثمانی‌ها از توپخانه بسیار قوی، مصادره تسلیحات و مهمات فرستاده شده از سوی ونیز به آق‌قویونلوها توسط عثمانی‌ها، قطع ارتباط راه‌های دریایی - زمینی ناوگان متحدان اروپایی در دریای سیاه با لشکر اصلی اوزون حسن و عدم کمک مؤثر آن ناوگان به او، سبب شکست آق‌قویونلوها شد (Norwich, 1989: 355; Finkel, 2007: 66-67). واقع، سلاح‌های آتشین یکی از عوامل مهم شکست آق‌قویونلوها در برابر عثمانی بود؛ چراکه عثمانی‌ها در آن زمان صاحب سلاح‌های آتشین به نسبت پیشرفته‌ای بودند. تأثیر توپخانه در نتیجه این نبرد، در منابع ترکی بدین صورت توصیف شده است:

«نیروهای اوزون حسن در ۱۱ آگوست ۱۴۷۳ م. در حوالی ترجان در باشکنت به اردوی سلطان محمد فاتح رسیدند. اوزون حسن به اصرار پسرانش، نیروهای سلطان محمد را که در دره‌ای بودند از هر طرف به محاصره درآورد و حمله کردند. اوزون حسن شخصاً تا صف‌های لشکر عثمانی و جایگاه استقرار توپ‌ها جلو آمد. آتش شدید توپ و خمپاره از پشت سر نیروهای آق‌قویونلو می‌بارید. نیروهای اوزون حسن که به صدای این سلاح‌های آتشین عادت نکرده بودند، با قرار گرفتن بین آتش توپخانه و تفنگ پیاده نظام به وحشت افتاده، شروع به فرار کردند و سلاح و مهمات زیادی به جا گذاشتند. اوزون حسن نیز در مقابل آتش شدید توپخانه، میدان نبرد را ترک کرد و به همراه نیروهایش به سوی تبریز عقب‌نشینی کرد» (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۵۴؛ Turan, 1965: 122; Inalcik, 1988: 526; Tansel, 1999: 318; Yinanc, CD: 260).

اردم و اوپار دیگر نویسندگان ترک نیز علت شکست آق‌قویونلوها در این نبرد را نرسیدن توپ و مهمات ارسالی ونیزی‌ها به دست اوزون حسن و برتری عثمانی‌ها به لحاظ داشتن سلاح‌های آتشین به‌ویژه توپخانه قوی دانسته‌اند (Erdem and Uyar, 2002: 878). تأثیر توپخانه عثمانی‌ها بر سواره‌نظام آق‌قویونلوها بسیار دهشتناک بود؛ به‌گونه‌ای که سلاح آتشین بخصوص توپخانه قوی عثمانی‌ها سرنوشت جنگ را به طور قطعی به سود آنان رقم زد. کاترینو زنو به عنوان شاهدی عینی در جنگ، درباره علت شکست اوزون حسن معتقد است که توپخانه عثمانی‌ها، بزرگ‌ترین صدمه را به ایرانیان

وارد کرد (باربارو و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۲۸-۲۲۹؛ ۲۳۵-۲۴۴). سلطان محمد فاتح نیز از قدرت سپاه اوزون حسن آگاه بود و می‌دانست که برخورداری اوزون حسن از سلاح آتشین به‌ویژه توپخانه قطعاً به سود او نخواهد بود. از این رو، درصدد توقف و مصادره سلاح‌های ارسالی ونیزی به اوزون حسن بود (میرجعفری، ۱۳۸۸: ۲۹۵-۲۹۹؛ Farrokh, 2011: 10).

عثمانی‌ها با شکست دادن اوزون حسن، نمایشی عینی از کاربرد توپخانه را به وی نشان دادند. از این رو، با توجه به اهمیت حیاتی توپخانه در نتیجه نبرد، اوزون حسن با فرستادن کاترینو زنو مجدداً از ونیز درخواست تسلیحات جنگی آتشین کرد و ونیزی‌ها در سال ۸۸۳ ق/۱۴۷۸ م. یک‌صد نفر توپچی ماهر برای وی فرستادند. احتمالاً این توپچیان تعدادی توپ با خود به همراه داشته‌اند و یا در سایه تلاش این افراد در ساخت توپ‌های جدید، سلطان خلیل آق‌قویونلو در همان سال، در جنگ با رقبایش بخصوص برادرش یعقوب میرزا از توپ‌های ونیزی استفاده نمود (سیوری، ۱۳۴۵: ۱۱۶؛ قدم، ۱۳۸۳: ۶۶۴).

بر اساس نوشته روملو در احسن‌التواریخ، در سال ۸۸۳ ق/۱۴۷۸ م. سلطان خلیل (گاه فرمانروایی: ۸۸۳-۸۸۲ ق/۱۴۷۸-۱۴۷۷ م) در جنگ با سلطان یعقوب (گاه فرمانروایی: ۸۹۶-۸۸۳ ق/۱۴۹۰-۱۴۷۸ م) در نزدیکی روستای ولدیان بین خوی و مرند، از توپ و تفنگ استفاده کرد. روملو این واقعه را این‌گونه شرح داده است:

«یعقوب پادشاه دوازده فرسخ راه طی کرده در بلده خوی به امرای منقلای (پیشرو لشکر) پیوست و از آن جانب سلطان خلیل در مرند نزول نمود. روز دیگر، یعقوب پادشاه بعضی از امرای کار دیده را جهت تعیین محل رزم فرستاد. دیگر روز، از پل آب خوی عبور نموده در آن حوالی نزول نمود. از آن جانب، سلطان خلیل از قریه ولدیان کوچ کرد. روز بعد، آن دو لشکر، مانند دو کوه آتش‌زای بر صحن صحرای جنگ روان شدند. دلیران هر دو جانب بر یکدیگر ریختند و منقلای (پیشرو لشکر) سلطان خلیل که به فرّ و شهادت امرای نامدار چون عثمان بیگ میران شاهی و شاه علی بیگ پرناک و صوفی خلیل استوار بود پیش راند و با چرخ‌چیان یعقوب پادشاه آمیخته دمار از روزگار یکدیگر برآوردند. منقلای یعقوب پادشاه چرخ‌چینی سلطان خلیل را از پیش رانده به تیب رسانیدند و چون سلطان خلیل قلب سپاه خود را به توپ و تفنگ استوار ساخته بود، به

ضرب توپ و تفنگ چرخ‌چیان یعقوب پادشاه را پریشان ساختند» (روملو، ۱۳۸۴: ۸۱۴/۲-۸۱۷). ویراستار این کتاب در پاورقی افزوده است که ظاهراً این سلاح‌ها همان مقدار محدود سلاح‌های آتشی است که ونیزی‌ها به اوزون حسن فرستاده بودند (همان: ۸۱۷). بر پایه نوشته سیوری نیز، احتمالاً این سلاح‌ها همان تجهیزات ارسالی ونیزی‌ها به اوزون حسن باشد که در قبرس متوقف شده و دیرتر از موعد مقرر به دست آق‌قویونلوها رسید (سیوری، ۱۳۷۴: ۴۳-۴۲) و یا احتمالاً غنایم جنگی بوده است؛ چراکه در منابع ونیزی، گزارشی مبنی بر دست یافتن آق‌قویونلوها بر توپخانه عثمانی‌ها یافت می‌شود (Ωσοδσ, 1976: 129, 270). سپاه یعقوب میرزا در سال ۸۸۵ ق. لشکر ممالیک مصر را که برای تصرف شهر رها (ادسا) آمده بودند را شکست داد که احتمالاً تسلیحات آتشین ونیزی کارساز بوده است (نوابی، ۱۳۷۰: ۱/۱۳۵). در این جنگ، لشکر ممالیک مجهز به سلاح آتشین بود که در پی شکست، سلاح‌های آتشین‌شان به دست سپاهیان سلطان یعقوب افتاد (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۵۴).

تاریخ عالم‌آرای امینی نیز یکی از منابع قدیمی و اصیل در مطالعه کاربرد سلاح‌های آتشین در جنگ‌های دوره سلطان یعقوب است. خنجی مؤلف این کتاب در چند جا به استفاده سلطان یعقوب از توپ و تفنگ اشاره کرده است (خنجی، ۱۳۸۲، ۵۳، ۶۷، ۱۰۳). بدین‌صورت که در دوره سلطان یعقوب، حکومت‌های خراج‌گزار گرجستان از جمله حاکم زمسخه از پرداخت خراج خودداری کردند. از این رو، سپاه آق‌قویونلو در سال ۸۸۸ ق/۱۴۸۳ م. به طرف گرجستان حرکت کرد و قلعه اخالستخه را با استفاده از توپ فتح کرد. خنجی ضمن روایت لشکرکشی سلطان یعقوب به گرجستان و محاصره قلعه اخالستخه آورده است:

«چون فتح آن حصار به کارزار میسر نیست، پختگی این کار محبوب از «قزغان توپ» مطلوب بود و لاجرم هر ساعت توپ شدیدالصدما بر دیوار حصار صدمتی وارد می‌نمود همچون صدمه هادم‌اللذات و بنای کفار صاحب ادبار را از شداید ضربات توپ گران هر لمحہ حسب حال بود تا به حدی که از توپ پیاپی نزدیک بود که جدار آن قلعه از پی بیفتادی» (خنجی، همان: ۲۱۴-۲۲۱). در جای دیگر آورده است: «تفصیل آن صورت آنکه نوبتی بر حسب عادت توپی آتشبار به جانب حصار آن کفار انداختند و چون به آن شرر نار بود کفار به اطفاء آن نار مشغول شدند» (همان: ۲۲۲). ابیوردی نیز به این

واقعه اشاره کرده و می‌نویسد، آق‌قویونلوها برای مقابله با حاکم زمسخه که در گرجستان شورش کرده بود (۸۹۰ ق)، از توپ استفاده کردند (ابیوردی، ۱۳۴۷: ۵۱-۵۴). گرجیان در سال ۸۹۲ ق. نیز افراد پادگان آق‌قویونلوها در تفلیس را شکست داده و اخراج کردند. در پی این واقعه، سپاه آق‌قویونلو بار دیگر با تدارک کامل و مجهز به سلاح آتشین توپ به طرف گرجستان حرکت کرد، اما با شبیخون گرجیان مواجه شدند. به نوشته خنجی، سلطان یعقوب پس از تجدید قوا، تفلیس را فتح کرد و پادگان آق‌قویونلوها مجدداً در آنجا مستقر شد (خنجی، همان: ۱۷۳-۱۷۷). در برخی منابع نیز آمده که سلطان یعقوب تفلیس را شهربندان کرد، اما با وجود استفاده از سلاح آتشین توسط سردارش صوفی خلیل بیک موصلو، به خاطر دلاوری‌های خاندان باراتیانی، شکست را پذیرا و از گرجستان خارج شد (Allen, 1971: 188؛ عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۱۳۹). بر اساس اخبار خنجی در شرح لشکرکشی سلطان یعقوب به گرجستان می‌توان به ادوات و لوازم توپ که شامل دیگ توپ و ابزارآلات چوبی بوده، پی برد (خنجی، همان: ۳۴۵). ولادیمیر مینورسکی نخستین بار نظریه‌ای را در خصوص تولید سلاح‌های آتشین در ایران ارائه کرده است. وی با استناد به کلمه توپ‌ریزی در کتاب تاریخ عالم‌آرای امینی (۱۳۸۲: ۱۷۴) می‌نویسد که مفهوم توپ ساختن این فکر را به ذهن متبادر می‌کند که چون حمل توپ مشکل بوده، توپ را در محل می‌ساختند. برای نمونه، امیر خلیل صوفی بکتاش، فرمانده سپاه سلطان یعقوب در سال ۸۹۴ ق/۱۴۸۹ م به هنگام محاصره دژ تفلیس، در آنجا توپ ریخته بود. در همان اثر عباراتی چون «توپ ساختن» و «توپ آتش انداخت» وجود دارد (مینورسکی، ۱۳۷۰: ۵۱، ۸۸-۸۹). با این همه باروت و سلاح آتشین اصطلاحی نیستند که در متون تاریخی به فور به کار رفته باشد.

به نوشته تاجر گمنام ونیزی، هنگامی که سپاهیان صفوی به فرماندهی محمدبیگ استاجلو در حدود ۹۱۳ ق، حصن کیفا را در دیار بکر به محاصره درآوردند، از یک خمپاره‌انداز مفرغی که آن را از ماردین آورده بودند، استفاده کردند. این خمپاره‌انداز در زمان سلطان یعقوب آق‌قویونلو و به دستور او در ماردین ساخته شده بود (باربارو و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۵۳ و ۳۶۶-۳۶۵).

بر پایه نوشته منشی قمی، در نبرد میان الوندشاه آق‌قویونلو (گاه فرمانروایی: ۹۰۷-۹۰۴ ق/ ۱۴۹۸-۱۵۰۱ م) و شاه اسماعیل اول (گاه شاهی: ۹۳۰-۹۰۷ ق/ ۱۵۲۳-۱۵۰۱

م) به سال ۹۰۷ ق. در منطقه شرور (نخجوان)، نخستین بار صدای تفنگ شنیده شد. وی می‌نویسد این نخستین صدای تفنگ در ایران بود. هرچند به مورد قدیمی‌تر دیگری به سال ۹۰۵ ق. نیز اشاره کرده است (منشی قمی، ۱۳۵۹: ۷۲). این مورد در تاریخ عالم‌آرای صفوی نیز آمده است: «... غلامان شاه و آن سیصد قورچی بر لب بام‌ها درآمدند و تیر و تفنگ گرفتند ترکمانان را و الوندشاه هر چند سعی کرد که ...» (مؤلف نامعلوم، ۱۳۵۰: ۶۸). در عالم‌آرای صفوی به رسته توپخانه و پنج هزار نیروی آن در سپاه آخرین پادشاه آق‌قویونلو یعنی سلطان مراد (گاه فرمانروایی: ۹۰۸-۹۰۳ ق / ۱۵۰۲-۱۴۹۷ م) و نیز به «خرپا چنگ» که نوعی توپ یا خمپاره بود، اشاره شده است. این توپ‌ها در جنگ سلطان مراد و شاه اسماعیل اول به سال ۹۰۸ ق / ۱۵۰۳ م. به وسیله سلطان ابراهیم (برادر شاه اسماعیل) و نیروهای قزلباش به غنیمت گرفته شد. در نتیجه این اقدام، سلطان مراد نامه‌ای به برادرش الوندشاه فرستاد و به غنیمت رفتن توپ‌ها را خبر داد. این خبر سبب پریشانی الوندشاه شد و قانیساز پاشا و مصطفی پاشا و ینگچری آقاسی قیصر روم پرسیدند سبب تغییر رنگ تو از چه بود؟ آن شرح را به ایشان گفت و ایشان چنین گفتند: «اگر بیست عدد توپ و خرپا چنگ برادرت را قزلباش‌ها برده‌اند، ما هفتصد عدد توپ و خرپاچنگ همراه داریم و هرگاه ایشان آن قلیل را به جانب ما آتش دهند پس این توپخانه قیصر چه خواهد کرد با سپاه ایشان؟ الوندشاه را دلداری دادند و روز پنجم سلطان مراد به آن سپاه آمده و بزرگان روم به استقبال رفتند» (همان: ۷۷). در ادامه، شاه اسماعیل به جانب الوندشاه رفت و توپخانه و دو هزار نیروی آن را به برادرش سلطان ابراهیم سپرد. سلطان ابراهیم فرمود که «پیش توپخانه را سواره و پیاده گرفتند که دشمن نداند توپخانه در کدام طرف سپاه است. چون ترکمانان ریختند، پس توپ‌ها را آتش زدند و بیست و پنج گلوله یک‌بار بیرون آمد و قریب به هفت هزار رومی و ترکمان را درهم خرد کرد» (همان: ۷۹-۷۸). در این جنگ الوندشاه کشته شد. روز بعد سلطان مراد با سی و پنج هزار نفر ترکمان و پاشاها با صد هزار نفر به همراه رسته توپخانه به جنگ شاه اسماعیل رفتند اما شکست خوردند و سلطان مراد به شیراز گریخت و از آنجا راهی شوشتر شد و به دلیل کمبود سرب و باروت در قلعه شوشتر به دیار بکر گریخت (همان: ۸۱، ۹۰). این گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که سلاطین آق‌قویونلو

و شاه اسماعیل اول قبل از جنگ چالدران به نقش حیاتی باروت، توپ و توپخانه در جنگ‌ها و رسیدن به قدرت پی برده بودند.

شیوه‌های تهیه و تأمین سلاح آتشین در دوره آق‌قویونلوها

در ارتباط با شیوه‌های تهیه و تأمین سلاح‌های آتشین مورد استفاده آق‌قویونلوها و منشأ مکانی ساخت و تولید و هویت متخصصان و سازندگان این سلاح‌ها؛ این مطلب قابل ذکر است که سلاح‌های آتشین مورد استفاده در دوره آق‌قویونلوها، یا ساخت متخصصان ونیزی بوده و یا ساخت متخصصان عثمانی بوده است که اولی در قالب هدایای سیاسی و مبادله تجاری وارد دربار اوزون حسن شده بود و دومی در قالب غنایم جنگی توسط نیروهای آق‌قویونلو به غنیمت گرفته شده بود. البته با استناد بر یک گزارش تاریخی (تولید گومبارانداز در ماردین)، می‌توان گفت که در سپاه آق‌قویونلو نیز متخصصان دست به تولید سلاح آتشین زده‌اند. به عبارتی دقیق‌تر، سلاح‌های آتشین مورد استفاده آق‌قویونلوها به دو شیوه تأمین می‌شده است: شیوه اول، سلاح‌های آتشین ساخت کشورهای اروپایی به‌ویژه ونیزی‌ها بوده که در قالب هدایا (روابط سیاسی) و یا در قالب خرید و فروش (روابط تجاری) تأمین می‌شده است. در واقع، اهداف توسعه طلبانه امپراتوری عثمانی در ایران و اروپا و وجود دشمن مشترک باعث می‌شده که اروپایی‌ها به‌ویژه ونیزی‌ها متوجه آق‌قویونلوها شوند و با فرستادن سفیر و تجهیز آق‌قویونلوها به سلاح آتشین، آن‌ها را در جهت منافع سیاسی و اقتصادی خود علیه عثمانی‌ها به جنگ وادارند. شیوه دوم، سلاح‌های آتشین ساخت عثمانی بوده که در قالب غنایم جنگی تأمین می‌شده؛ در این راستا، می‌توان به گزارش منابع ونیزی مبنی بر دست یافتن آق‌قویونلوها بر توپخانه عثمانی‌ها اشاره کرد. این سلاح‌های دریافتی از ونیزی‌ها و عثمانی‌ها بیشتر در لشکرکشی آق‌قویونلوها به گرجستان و در نزاع داخلی بین سلطان خلیل و یعقوب میرزا بر سر قدرت به کار گرفته شده است. بدین ترتیب که سلطان خلیل برای سرکوب شورش یعقوب میرزا، دسته‌ای با عنوان توپچیان ترتیب داد که با به-کارگیری سلاح‌های آتشین، چرخ‌چیان یعقوب میرزا را از کار انداخت.

نتیجه‌گیری

بررسی منابع تاریخی در ارتباط با تاریخ تحولات نظامی ایران بیانگر این واقعیت است که تغییرات عمده‌ای در سلاح‌های مورد استفاده آق‌قویونلوها نسبت به دوره‌های قبل پدید نیامده است. تنها پدیده مدرن در تشکیلات نظامی آق‌قویونلوها به‌کارگیری سلاح‌های آتشین در سطحی محدود بوده که از زمان قراعثمان آق‌قویونلو به بعد، بارها در منابع تاریخی اشاراتی به استفاده آق‌قویونلوها از سلاح آتشین شده است. مستندات تاریخی مبین این است که سلاطین آق‌قویونلو یعنی اوزون حسن، سلطان خلیل، سلطان یعقوب، سلطان مراد و الوندشاه به نقش حیاتی سلاح آتشین پی برده بودند و در جنگ‌های خود از آنها استفاده می‌کردند. هرچند به‌کارگیری سلاح‌های آتشین در عملیات نظامی این دوره، پیشرفت محسوسی به حساب می‌آمد، اما از یک سو، توپ و تفنگ اندک و توپچیان و تفنگچیان ناآزموده بودند و ایرانیان با دانش و فنون ساخت آن آشنایی چندانی نداشتند. از سوی دیگر، ایرانیان استفاده از سلاح‌های آتشین را ناجوانمردانه می‌دانستند. از این‌رو، پدیده مدرن سلاح آتشین در تشکیلات نظامی این دوره، تحولی اساسی ایجاد نکرد و عموماً سلاح‌های مبتنی بر نیروی عضلانی مورد استفاده بود. این روند ادامه یافت تا اینکه در دوره صفوی، پس از شکست شاه اسماعیل در جنگ چالدران، ضرورت تحول در ساختار ارتش ایران کاملاً آشکار شد و شاهان صفوی درصدد برآمدند برای حفظ موجودیت خود در منطقه با تسلیحات روز خود را مجهز سازند. در واقع، موجودیت حکومت‌های ایرانی از روزگار آق‌قویونلوها به بعد ارتباط مستقیم با استفاده از سلاح‌های آتشین داشت. از این‌رو، صفویان و حکومت‌های بعد از آنها، معمولاً بدون چالشی اساسی از سلاح‌های آتشین در نبردها و محاصره قلعه‌ها استفاده می‌کردند.

از شواهد موجود چنین بر می‌آید که هر چند آق‌قویونلوها در محاصره قلعه‌ها و شهرها از توپ چه به صورت تدافعی و چه به صورت تهاجمی استفاده می‌کردند، ولی تعداد توپ‌های آنها اندک بوده و توپچی‌ها نیز مجرب نبوده و با فنون و مهندسی ساخت توپ‌ها آشنایی نداشته‌اند. در ارتباط با نقش و کارکرد سلاح‌های آتشین در دوره ترکمانان می‌توان به این مطلب اشاره کرد که استفاده از سلاح‌های آتشین، علاوه بر ایجاد رعب و وحشت و تضعیف روحیه نیروی نظامی دشمن و عقب‌نشینی دشمن، می‌توانست در تغییر سرنوشت جنگ مؤثر واقع شده و در نهایت موجب تغییر موازنه

قدرت در عرصه سیاسی - نظامی گردد. برای نمونه، سپاه اوزون حسن در جنگ اتلوبلی در برابر آتش شدید توپخانه عثمانی به وحشت افتاده و میدان جنگ را ترک کردند. در مقطع دیگر از تاریخ نظامی ایران، اکثر مورخان علت شکست شاه اسماعیل در جنگ چالدران را آتش شدید توپخانه عثمانی و رعب و وحشت نیروهای صفوی ذکر کرده‌اند.

منابع

- ایبوردی، حسین (۱۳۴۷)، چارتخت، به اهتمام ایرج افشار، ج ۱۵، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- اوزون چارشی‌لی، اسماعیل حقی (۱۳۶۹)، تاریخ عثمانی از فتح استانبول تا مرگ سلطان سلیمان قانونی، ترجمه ایرج نوبخت، ج ۲، تهران: کیهان.
- باربارو، جوزافا (۱۳۸۱)، سفرنامه، در سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- پورگشتال، هامر (۱۳۶۷)، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی‌آبادی، ج ۱، تهران: زرین.
- چلبی، مصطفی بن عبدالله (۱۳۸۴)، ترجمه تقویم التواریخ، مصحح میر هاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.
- حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۹۲)، حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو در ایران، تهران: سمت.
- خنجی، فضل‌الله بن روزبهان (۱۳۸۲)، تاریخ عالم‌آرای امینی: شرح حکمرانی سلاطین آق‌قویونلو و ظهور صفویان، مصحح محمد اکبر عشیق، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- روملو، حسن (۱۳۴۷)، احسن‌التواریخ و تصحیح نورمن سیدن، تهران: کتابخانه صدر.
- روملو، حسن (۱۳۸۴)، احسن‌التواریخ، به اهتمام عبدالحسین نوائی، ج ۱، تهران: اساطیر.
- زنو، کاترینو (۱۳۸۱)، سفرنامه، در سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۳۰)، تاریخ ایران، ج ۱، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: چاپخانه نگین.
- سیوری، راجر (۱۳۴۵)، «از چه موقع ایرانیان برای اولین بار اسلحه گرم به کار بردند»، ترجمه رجبعلی امیری، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۴.
- سیوری، راجر (۱۳۷۴)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- صحت‌منش، رضا (۱۳۹۷)، نظام توپخانه در دوره قاجار، فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، دوره ۲، شماره ۲، صص ۸۷-۱۱۴.
- عون‌اللهی، سیدآقا (۱۳۸۷)، تاریخ پانصدساله تبریز از آغاز دوره مغولان تا پایان دوره صفویان، ترجمه زارع شاهمرسی، تهران: امیرکبیر.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳)، تاریخ جهان‌آرا، تهران: کتاب‌فروشی حافظ.

- فلاحی، اکبر، رحیمی، غلامحسین (۱۳۹۴)، ارزیابی ساخت و کاربرد سلاح آتشین در عصر صفوی، فصلنامه تاریخ علم، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۶۵-۸۰.
- قدم، عباس (۱۳۸۳)، سازمان نظامی دولت صفوی پس از اصلاحات شاه عباس اول، مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، تبریز، دانشگاه تبریز.
- منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۵۹)، خلاصه التواریخ، ج ۱، تهران: اشراقی.
- مؤلف نامعلوم (۱۳۵۰)، عالم آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مهمید، محمدعلی (۱۳۶۱)، تاریخ دیپلماسی ایران قبل از هخامنشیان تا پایان قاجاریه، تهران: میترا.
- میرجعفری، حسین (۱۳۸۸)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران: سمت و دانشگاه اصفهان.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۵۱)، ایران در سده پانزدهم (نهم هجری) بین ترکیه و ونیز، ترجمه محمدباقر امیرخانی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۰۲، صص ۱۵۵-۱۹۲.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۰)، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۰)، ایران و جهان از مغول تا پایان عهد ناصری، ج ۱، تهران: هما.
- هینتس، والتر (۱۳۷۷)، تشکیل دولت ملی در ایران: حکومت آق‌قویونلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- Allen, W.E.D., (1971), A History of the Georgian People from Beginning Down to the Russian Conquest in the Nineteen Century, Routledge and Kegan Paul, London.
- Erdem, I., and Uyar, Mustafa, (2002), Akkoyunlular Akkoyunlular'in Tarih Sahnesine Cikisi, Turkler, C. VI, Ankara.
- Elgood, R., (1995), Firearms of the Islamic world: in the Tareq Rajab Museum, Kuwait, London.
- Inalcik, H., (1988), Mehmed II, Islam Ansiklopedisi, C, VII, M. E. B., Istanbul.
- Farrokh, K., (2011), Iran at War, 1500-1988, Osprey Publishing, Oxford.
- Fərzəliyev, Ş.F., (1999), Azərbaycan və Osmanlı imperiyası, Bakı.
- Hinz, W., (1992), Uzun Hasan ve Seyh Cunejd, T. T. K. Yay, Ankara.



- Mahmudov, Y.M., (1986), Azərbaycanın Avropa ölkələri ilə əlaqələri- Bakı.
- Tansel, S., (1999), Fatih Sultan Mehmed'in Siyasi ve Askeri Faaliyeti, M. E. B., İstanbul.
- Turan Ş., (1965), Fateh Mehmet-Uzun Hasan mücadilesi ve Venedik. Tarih Araştırmaları dergisi, Ankara.
- Woods, J., (1976), The Aqquyunlu: Clan, confederation, empire; A Study in 15th/ 9th Century Turko-Iranian Politics, Bibliotheca Islamica, Mineapolis and Chicago.
- Yinanc, M. H., CD, Akkoyunlular, İslam Ansiklopedisi, C.I.M.E.B, İstanbul.

